

فرید یونس در نقش تحلیل گر سیاسی و اقتصادی

تلویزیون آقای احسان الله بیات در شمال کلیفورنیا به نام " نور " به برنامه های تلویزیونی مفتی اعظم سانفرانسسکو یعنی فرید جان یونس، بر اساس سیاست های کثیر الابعاد خود، نقش تازه آفریده اند. تا حال فرید یونس صرف در مسائل دینی در افشانی نموده با تصرفات و تعدیلات دلخواه در محکومات غیر قابل تغییر قرآنی بر حسب طیب خاطر مبارک خود و رضای مشتی لجام گسیخته که مقررات دینی را مانع بی بند و باری های زندگی دیار های امریکا و غرب میدیدند فتوا میداد، البته از نظر دور نباید داشت که با این شیوه گفتار مود روز پیروان و مریدان زیادی هم دارند که مصارف سفر ها و اشتراک شان در جلسات مختلفه از دستکول خواهران خوش باور ما پرداخته می شود.

فرید یونس برای کسب شهرت کاذب از تحویل دروغ های شاخدار به جامعه دریغ ننموده مثلا صحبت شان با کانگرس امریکا و معرفی نظام اسلام در جلسه خاص کانگرس دروغ محض بوده، در واقعیت در کدام پس کوچه و اشنگن به وساطت افغانی احتمالا با یک یا دو نفر نمایندگان مجلس امریکا شاید دیداری داشته بوده باشند، اما شمول شان در کدام جلسه خاص مجلس نمایندگان امریکا سندی ندارد.

آقای فرید یونس که تخصص شان در جمیع امور دینی و دنیوی حد و حصری نمی شناسد، بنیاد بیات با قدرانی از این دانش آقای یونس، ایشان را بحیث قاضی تعیین بهترین رقص و آواز در فستیوال دویی دعوت نمودند، در حالی که آن محفل منبری برای موعظه نداشت و محلی برای فرید یونس سراغ نمی شد.

امروز چهار شنبه هشتم ماه فیروزی سال دوهزار و دوازده از بد حادثه به برنامه تحلیل های سیاسی آقای فرید یونس سردچار شدم، چون آنرا حکمت نو یافتم با اکراه دیدم و شنیدم.

خواننده محترم! به سر اولادهايم قسم می خورم که اگر بالای اشخاص می نویسم انگیزه بدبینی، عداوت و خصومت نبوده بلکه مسؤولیت های انسانی حکم می کند که بر پایه اصول و موازین دین خود را در برابر جامعه ادا نمایم در غیر آن مرا با فرید یونس چه کاری؟

تحلیل سیاسی امروزی آقای فرید یونس عدم آشنایی و فقدان مطالعات علمی شان را در جهان سیاست آشکار می ساخت و به وضاحت به بیننده انتباه میداد که موضوعات را تا چه سرحدی سطحی نگریسته و بر مبانی احساسات و بعید از منطق تحلیل میکند و با مهارت های حرفوی صبغه اسلامی را صرف بخاطر جلب توجه مردم در تحلیل خود می گنجاند که البته تماس گرفتن به این موضوع خریدار زیاد پیدا نموده و به دلچسپی بحث می افزاید.

اما بیننده کنجکاو، دراک و فهیم آگاهانه میداند که این بحث صرف برای پشتمانی از موفق حکومت آخوندی ایران تهیه شده بود، علایق، تمایلات و کشش عرضه کننده مطلب برای پشتمانی از نظام آخوندی ایران کاملا مبرهن بود.

این که فرید یونس بروی کدام دلیل و با گرفتن چه امتیازی چنین ارادتمندانه و صادقانه با ضرب (زیربغلی) نظام آخوندی ایران پا میکوبد سند مؤثقی در دست ندارم ولی ارتباطات اغلاله اسبق شان را با ایران خوب میدانم. تا امروز ما کدام تبصره مشخص آقای فرید یونس را بالای نظام منحط، عقب گرا و ضد مردمی ایران نشنیده ایم، حتی در پهنای فلسفه اسلام و احکام صریح قرآنی خلق این تعداد وسیله و واسطه برای توصل بنده بخدایش تحت پوشش ولایت فقیه قطعاً مورد توجه آقای فرید یونس قرار نگرفته.

با نهایت عجز متواضعانه بعرض میرسانم که فرید یونس از پس کوچه سیاست عبور نکرده مثلاً عدم شمول ترکیه را در اتحادیه اروپایی صرف مسلمان بودن ترکیه قلمداد کرد که البته در زمره ده ها دلیل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شاید مسلمان بودن ترکیه هم در ممانعت شمول ترکیه در اتحادیه اروپایی نقش داشته باشد، که آقای یونس از آن دلایل اطلاع ندارند.

در تحلیل موضوعات مربوط به ایران بسی خطا نگری های سیاسی و اقتصادی دیده می شود. اول اینکه ایران واقعا در عمل قدرت و صلاحیت مسدود ساختن تنگه هرمز را ندارد و احیاناً اگر ایران قادر به انجام چنین عملی باشد این تصمیم ایران بسادگی جنگ جهانی را سبب نخواهد شد. بلکه این تهدیدات بیشتر بحیث حربه سیاسی بکار رفته و

موجب احتکار نفت و ایجاد جنگ روانی نفت گردیده باعث صعود قیم شده مستهلک امریکایی و اروپایی را تحت فشار قرار میدهد و همچنان در شرائط کنونی نه روسیه و نه چین به چنین درگیری نظامی آمادگی و آرزومندی دارند و در روسیه انتخابات ریاست جمهوری در پیش بوده و چین برای حفظ ماتقدم با عربستان سعودی داخل مذاکره است که در صورت وخامت اوضاع با اروپا و امریکا در تضاد قرار نگرفته عوض نفت ایران احتیاجات خود را از سعودی مرفوع نماید. خلاصه نه روسیه و نه چین در صورت بروز جنگ پهلوی ایران و علیه امریکا نخواهند ایستاد.

خوب از همین قبیل سطحی نگری های بی سند در صحبت آقای یونس بسیار است. متأسفانه بهمان پیمانانه ای که دانش آقای یونس در سیاست محدود است از اقتصاد و واقعیت های اقتصادی دنیا بهره ای ندارند.

من به خود حق نمیدهم که آقای فرید یونس را از تحلیل سیاسی و اقتصادی منع نمایم شاید در قرب و جوار تحلیلگران بی سویه تر از جناب شان در تلویزیون ها موجود باشد.

اما روح مطلب من بالای تأثیرات ناگوار و منفی بیانات آقای یونس بالای نسل جوان افغان مخصوصاً در امریکا است، که اکثریت یا درین کشور تولد و یا بزرگ شده درس خوانده در پوهنتون ها شامل اند. زندگی و آینده شان با همین کشور گره خورده انتخاب دیگری ندارند. جوانان مسلمان امریکا در مجموع و جوانان افغان بطور مشخص محتاج رهنمایی های سالم غرض انتخاب روش های سیاسی و اجتماعی خود در جامعه امریکا اند. ما باید به جوانان توصیه نمایم که اولتر از همه متشکل شوند و از لحاظ سیاسی با سهمگیری در انتخابات محلی و ولایتی و کشوری برای خود هویت ساخته صدا و نارضایتی های خود را نه بشکل انفرادی بلکه در چوکات یک تنظیم و اتحادیه به اطلاع نمایندگان مجلس برسانند و این تماس ها را بصورت دوامدار نگهدارند و بصورت مسالمت آمیز در مسائلی که خلاف منافع مسلمانان و یا بطور خاص خلاف منافع افغان های تبعه امریکا باشد مظاهرات را تشکیل دهند. جوان افغان باید بداند که والدین شان در بدو مرحله مهاجرت به چه مشکلاتی روبرو بودند، تفاوت های عمیق فرهنگی ندانستن زبان و نا آشنایی با سیستم های کومکی و هزاران غصه و درد دیگر موقف خود را در امریکا بحیث یک اقلیت فعال تثبیت نتوانستند چه رسد به تشکل و تنظیم که جزء خواص افغانی ما نیست. حالا باید جوانان بطور اقلیت فعال با درک حقوق قانونی خود به نحو دیموکراتیک و مسالمت آمیز بحیث یک قشر فعال سهم بگیرند.

این نوع تبلیغات زهر آگین آقای یونس بدون یک رهبری و تنظیم سالم جوانان ما را طعمه افراطیون دینی و حلقات معین با طرح های مخربانه گردانیده با سوء استفاده از احساسات پاک شان برای انجام فعالیت هایی گماشته میشوند که جوان را بسوی تباهی و مرگ و یا زندان های مخوف امریکا سوق خواهد داد که در نتیجه نه به نفع اسلام خواهد بود و نه باعث تضمین یک زندگی مأمون و مصوون برای مسلمان امریکا.

شاید این بیانات آتشین و تشریح تعصبات دینی و بکنار بردن مسلمان ها در امریکا و تعقیب های غیر قانونی دستگاه های امنیتی و تبلیغات سوء علیه اسلام برنامه آقای یونس را رنگین و پر بیننده بسازد شاید هم بسیاری آن واقعیت باشد، اما آقای یونس راه حل اساسی و مبارزه معقول، دیموکراتیک و صلح آمیز را پیشنهاد نمیکند و با احساسات جوانان بیرحمانه بازی نموده آنهایی که چنین مسائل را از زبان پروفیسوری چون فرید یونس می شنوند شاید راه نجات را در خشونت و ضدیت مسلحانه سراغ نمایند که بازار سازمان های خوابیده و مخفی تروریستی گرم شده جوانان را برای تأمین اهداف خود استخدام نمایند.

متأسفانه ما به تشکل سر تا سری اتحادیه های محصلین و ایجاد پیوند های اطلاعاتی بین جوانان افغان در امریکا موفق نشدیم که در آن تنظیم و رهبری موجود می بود و توسط تکنولوژی متداول موضوعات حاد جوانان مورد مباحثه و مناظره قرار می گرفت، لذا در فقدان چنین تشکلی جوانان با شنیدن این گونه بیانات و تبلیغات نا عاقبت اندیشانه در یک مرحله آتشین سراسر موج احساسات زندگی علاج درد ها را در سازماندهی های افراطیت و خشونت جستجو نمایند. در حالیکه تحمل پذیری و مبارزه معقول از سفارش های اسلام است و تمام این روش برای ایجاد تغییر، اصلاح و بقای داعیه در مهاجرت حضرت رسول اکرم (ص) خلاصه میگردد.

آقای فرید یونس !

بلی در امریکا بسی روش هایی وجود دارد که در ضیق ساختن شرائط زیست مسلمانان نقش دارد، در پهلوی میلیون ها انسان شریف بی تعصب واقع بین حقیقت گرا و بی تعصب امریکایی که واقعیت یافتن اصلی نسج جامعه را از لحاظ تاریخی در مهاجرت ها می بینند و میدانند که این سرزمین مهاجرین است گروهی دو صد سال قبل و دسته صد سال بعدی درین دیار متوطن شدند و این واقعیت را با وسعت نظر بدون تعصب می پذیرند، ولی حلقات دیگری اند که تا حال در برابر رنگ پوست، نژاد و دین تعصب عمیق دارند. امروز عیسویت سیاسی با موسویت سیاسی در روابط

تنگاتنگ است، حلقه‌های بنیاد گرای عیسویت و افراطیون یهودیت هر یک طرز دید خاص خود را در برابر اسلام دارند. این تضادها شامل ادیان بودایی و هندوئیسم نیست.

واقعه یازده سپتمبر سال ۲۰۰۱ اسلام را در امریکا در یک موقف بسیار حساس قرار داد، تبلیغات سوء و اقدامات منافی ارزش‌های دیموکراسی و تعقیبات غیر قانونی و دوسیه ساختن‌های جعلی مسلمان را مورد سوء ظن جامعه قرار داده دیگر مسلمانان به راحت خاطر در محلی زندگی نمی‌توانستند و بار اول برای مسلمان مفکوره آن خلق شد که من محکوم یک تبعیض علنی هستم.

بلی این واقعیت‌های تلخ جامعه امریکا به ارتباط موقف مسلمانان در کل و افغان‌ها می‌باشد که آیا با ذکر غرض آلود آن افکار جوانان خود را مختل بسازیم و یا این که بعد ارائه چنین معلومات بر مبنای رسالت دینی و انسانی راه معقول مبارزه را که عاری از خشونت و خون‌ریزی و ویرانی توأم با تحمل‌پذیری باشد به جوانان توصیه نماییم.

آقای فرید یونس!

اگر جوانان افغان در زنجیر افراطیت و تروریسم ویرانگری و آدمکشی بسته می‌شوند مقصر آن تو و امثال خودت است که بر منیرها می‌برآیند و برای آتشین ساختن صحبت و تظاهر به بهترین مسلمان کردن قومانده جهاد را در امریکا صادر نموده زمینه انحراف را در طبقه جوان خلق می‌کنند، که در حقیقت خود سوق دادن این طبقه بسوی تباهی و بربادی جوانیست که تحصیل کرده آینده دارد با مسؤولیت‌های بیشمار یا کشته می‌شود و یا می‌کشد و زندگی را در کنج زندان سپری می‌نماید.

سالم سلامت - نیویارک، امریکا

۲۰۱۲/۰۲/۰۹

پایان